

## اصلاحات نظام سلامت چرا؟ و چگونه؟

دکتر محمد شریعتی<sup>۱</sup>

۱- دانشگاه علوم پزشکی تهران - استادیار - قائم مقام معاون بهداشتی و رئیس مرکز مدیریت شبکه.

### چکیده

تقریباً همگان بر ضرورت اصلاحات در نظام سلامت تأکید دارند، شاید تغییرات گاه و بیگاه در نظام سلامت ناشی از این مطالبه عمومی باشد. اما تأکید بر ضرورت اصلاح نظام سلامت مختص کشور ما نبوده بلکه با یک مرور اجمالی و بررسی ساده می‌توان دریافت که اکثر کشورهای جهان به نوعی در حال تغییر، تکمیل و یا اصلاح نظام سلامت خود هستند. یکی از مهم‌ترین عواملی که اصلاحات نظام سلامت را اجتناب‌ناپذیر ساخته هزینه‌های روز افزون این بخش می‌باشد. در واقع تغییرات دموگرافیک به همراه افزایش امید زندگی و طول عمر منجر به افزایش بروز و شیوع بیماری‌های مزمن شده که در این شرایط نیاز به خدمات و مراقبت‌های بهداشتی افزایش می‌یابد، از طرف دیگر با افزایش سواد، دانش و آگاهی مردم، توقعات و نیازهای بیان شده آنان افزایش یافته و این افزایش تقاضا در کنار بیماری‌های نوپدید و بازپدید مصرف خدمات سلامتی به‌خصوص در زمینه داروها و فناوری‌های جدید تشخیصی و درمانی گران قیمت را افزایش داده است. اکنون انتظارات و توقعات مردم به دلایل مختلف از جمله بهبود وضع اقتصادی، افزایش تمایل و توان پرداخت که می‌تواند ناشی از پدیده‌های روانشناختی (مثلاً جبران گذشته) باشد، بالا رفته و انتظار دارند حال که شرایط اقتصادی بهبود یافته آنان همانند کشورهای توسعه یافته از کلیه خدمات بهرمنند گردند. در این بین استفاده از نظام سلامت به‌عنوان ابزار انتخاباتی ضمن بالا بردن توقعات مردم برای دولت‌های واحد دموکراسی ایجاد تعهد نیز می‌نماید. این درحالی است که محدودیت‌های زیادی در پرداخت هزینه‌های خدمات بهداشتی درمانی وجود دارد، این محدودیت‌ها ناشی از عدم تناسب تخصیص منابع به بخش سلامت با انتظارات، بحران‌های اقتصادی و کاهش درآمد دولت‌ها می‌باشد. علاوه بر موارد فوق عامل دیگری که اصلاحات نظام سلامت را طلب می‌کند شک به مناسبت وضع موجود (Skepticism) می‌باشد در واقع برخی از منافع‌طلبان بخش غیر دولتی با ایجاد شک نسبت به کارایی بخش سلامت دولتی تلاش دارند با راه‌اندازی اصلاحات مورد نظر خود بازار سلامت را قبضه کرده و منافع خود را تأمین نمایند، با اینحال ناکارآمدی بخش دولتی بخودی خود موضوع قابل تأمل و بررسی می‌باشد، اما در این میان بعضی شرکت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) که دارای اهداف و نیات غیر شفاف بوده نیز بر طبل ناکارآمدی بخش دولتی می‌کوبند. در برخی موارد عموم مردم در مقایسه‌های غیر معقول (بدون توجه به عواملی چون میزان تعرفه دریافتی، اثر بیماران ارجاعی و بد حال و ...) بین بخش دولتی و بخش خصوصی، این بخش را ناکارآمد تلقی می‌کنند.

همه موارد فوق در کنار مشکلاتی که در صنعت بیمه (به‌ویژه بیمه‌های خصوصی) وجود داشته و افزایش adverse selection و کاهش risk pooling، همه و همه اصلاحات نظام سلامت را اجتناب‌ناپذیر می‌نمایند. برای انجام اصلاحات در نظام سلامت لازم است بدو به اجزای آن توجه کنیم، نظام سلامت شامل تمام افراد ارایه‌کننده مراقبت‌های سلامتی، منابع مالی در گردش برای مراقبت سلامتی، تأمین‌کننده‌های دروندادهای تخصصی فرآیند مراقبت، واسطه‌ها، کنترل‌کننده‌ها و تأمین‌کننده‌های مالی و سازمان‌های کمک‌کننده در پیشگیری، بوده لذا وقتی صحبت از اصلاح نظام سلامت می‌شود می‌تواند شامل تمام موارد فوق شود. یادمان باشد که نظام سلامت بخودی خود هدف نیست بلکه وسیله است. با توجه به اینکه سلامت اولوی ملی است لذا ایجاد نظام سلامت خوب و عادلانه از وظایف

دولت است. نظام سلامتی خوب است که پاسخگو و عادلانه بوده و با کاهش مرگ و ناتوانی قابل پیشگیری، کاهش رنج‌ها و دردهای قابل اجتناب و با رعایت احترام و شان فقرا بتواند منجر به ارتقای سلامت جامعه گردد. برای اصلاح نظام سلامت روش‌های متعددی پیشنهاد شده است، در واقع متخصصان علوم مختلف هرکدام با رویکرد تخصصی خاص خود به این موضوع پرداخته اند. به نظر می‌رسد برای انجام اصلاحات در یک مجموعه عریض و طویل که بسیاری از مشکلات در آن نهادینه شده و بعضاً همین مسایل و مشکلات به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته شده است، نیازمند اقدامات همه جانبه هستیم.

یکی از شایع‌ترین مدل‌هایی که امروزه از طرفداران زیادی برخوردار است، استفاده از اهرم‌های کنترل است، این اهرم‌های کنترل (control knob) شامل موضوعاتی چون تأمین مالی، نظام پرداخت، سازماندهی، وضع مقررات و رفتار می‌باشند. علی‌رغم اینکه هرکدام از این اهرم‌ها به تنهایی هم می‌تواند نظام سلامت را تحت تأثیر قرار دهد اما برای اصلاح نظام سلامت بیش از یک اهرم کنترل مورد استفاده قرار می‌گیرد، این اهرم‌ها جز اثر مستقیم اثر غیرمستقیم نیز خواهند داشت. همانطور که برای داشتن بهترین خروجی صدا در سیستم‌های صوتی باید دکمه‌های مختلف آمپلی فایر را کم یا زیاد کرد، در اینجا هم استفاده هوشمندانه و اقتضایی از انواع اهرم‌های کنترل می‌تواند منجر به اصلاح نظام سلامت شود. برای فراهم کردن شرایط استفاده از این اهرم‌های کنترل نیازمند ابزار سیاسی، موقع‌شناسی و رهبری سیاسی اجتماعی می‌باشیم.

در حال حاضر نظام سلامت کشور در نظر دارد با اجرای برنامه پزشکی خانواده در مناطق شهری که اصولاً قابل مقایسه با اجرای بیمه روستایی نبوده و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اصلاحات (ریفورم) اجتماعی-اقتصادی و بهداشتی-درمانی کشور است، خروجی مناسبی به‌دست آورد. در این ریفورم تلاش می‌شود از کلیه اهرم‌های کنترل به نحو مطلوب استفاده شود. بی‌تردید موفقیت این ریفورم وابستگی کامل به توان کشور در استفاده مناسب از این اهرم‌ها دارد.